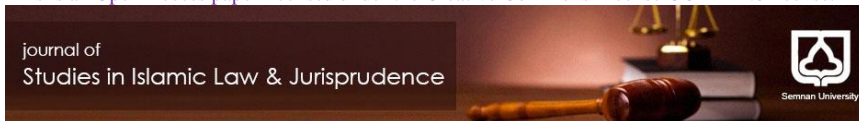


Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volume 15, Consecutive Number 31, Summer 2023
Issn:2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The Study of Jurisprudential and Legal Foundations of Sharia Supervision and Strategies of Implementing It in the Islamic Banking System

**Navabi Moghadam.Zeynab¹-Zare. Ali^{2*}- Yousefi Sadeghlo. Ahmad³-
Jamali. Jafar⁴**

1: Ph.D. student in private law, Islamic Azad University, North Branch, Tehran, Iran.

2: Assistant Professor of private law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran: (Corresponding author) (dr.alizare@gmail.com)

3: Assistant Professor of private law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

4: Assistant Professor of law, Electronic Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Considering its nature, Islamic banking requires a special type of monitoring methods in order to adapt the activities of the banking system to the principles and laws of Sharia. In this research, it has been tried to justify the necessity of sharia supervision in the banking system with jurisprudential bases such as the rule of of gharar, prohibition of usury, harm, preservation of public interests, and the lack of innocence of the rulers and numerous legal documents such as the two, four and seventy-first principles of the constitutional law. The basic as well as the existential philosophy of approving the law on banking operations without usury and other related regulations, the necessity of Sharia supervision in this field should be emphasized and examined. International Islamic financial institutions have presented solutions for the implementation of the mentioned institution in the banking system of Islamic countries, which have been implemented in most of the countries with Islamic banking structure. In Iran, during the last few years, we have witnessed the relative stabilization of a position with supervisory, executive and legislative dignity for the Sharia inspector; but the country's banking system is still at the beginning of the path until it is implemented and the results of Sharia supervision are realized. Removing obstacles and providing solutions for the implementation of Sharia supervision requires examining the jurisprudential foundations, explaining the solutions and training for its implementation, which is also the purpose of this research. In this research, the above issue has been discussed and investigated by relying on the descriptive-analytical method from the point of view of legal jurisprudence.

Keywords: Sharia Supervision, Islamic Banking, Jurisprudential Council.

- Z. Navabi Moghadam, A. Zare, A. Yousefi Sadeghlo, J. Jamali (2023). The Study of Jurisprudential and Legal Foundations of Sharia Supervision and Strategies of Implementing It in the Islamic Banking System, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(31), 165-186.

Doi: [10.22075/feqh.2022.27537.3293](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27537.3293)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵- شماره ۳۱- تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۱۶۵- ۱۸۶ (علمی- پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۲/۲۸- بازنگری ۱۴۰۱/۰۴/۱۰- پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

مبانی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راهکارهای اجرایی شدن آن در نظام بانکداری اسلامی

زینب نوایی مقدم /۱، علی زارع /۲، احمد یوسفی صادقلو /۳، جعفر جمالی /۴

۱: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
dr.alizare@gmail.com

۳: استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴: استادیار گروه حقوق، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

بانکداری اسلامی با توجه به ماهیت آن نیازمند نوع خاصی از شیوه‌های نظارتی به منظور انطباق فعالیت‌های نظام بانکی با اصول و قوانین شریعت می‌باشد. در این پژوهش سعی شده که ضرورت وجود نظارت شرعی در نظام بانکی با مبانی فقهی چون قاعده نفی غرر، ممنوعیت ربا، لاضرر، حفظ مصالح عموم، و عدم معصومیت حاکمان توجیه گردد و مستندات قانونی متعددی نظیر اصل دو، چهار و هفتاد و یکم قانون اساسی و همچنین فلسفه وجودی تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و دیگر مقررات مرتبط، بر لزوم نظارت شرعی در این زمینه تأکید و بررسی شود. مؤسسات بین‌المللی مالی اسلامی، راهکارهایی را به منظور اجرایی شدن نهاد مذکور در سیستم بانکداری کشورهای اسلامی ارائه نموده‌اند که در بیشتر کشورهای با ساختار بانکداری اسلامی اعمال گردیده است. در ایران نیز طی چندسال اخیر، شاهد تثبیت نسبی جایگاهی با شأن نظارتی، اجرایی و تقنینی برای ناظر شرعی هستیم؛ لیکن سیستم بانکی کشور تا اجرایی شدن و شهود نتایج نظارت شرعی هنوز در ابتدای مسیر قرار دارد. رفع موانع و ارائه راهکارهای اجرایی نمودن نظارت شرعی نیازمند بررسی مبانی فقهی، تبیین راهکارها و آموزش اجرایی نمودن آن می‌باشد که هدف از این تحقیق را نیز به خود معطوف نموده است. موضوع فوق، در این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی از نگاه فقهی حقوقی، مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه: نظارت شرعی، بانکداری اسلامی، شورای فقهی.

- نوایی مقدم، زینب؛ زارع، علی؛ یوسفی صادقلو، احمد؛ جمالی، جعفر (۱۴۰۲). مبانی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راهکارهای اجرایی شدن آن در نظام بانکداری اسلامی. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۱، صفحات ۱۶۵-۱۸۶.

Doi: [10.22075/feqh.2022.27537.3293](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27537.3293)

مقدمه

نظارت، مهم ترین شرط برای تحقق اهداف مطلوب است و اعمال نظارت شرعی در ساختار بانکی به عنوان مهم ترین نهاد مالی کشور و به جهت وابستگی چرخه اقتصاد بدان، دارای اهمیت بسیار می باشد، چراکه بانک ها و مؤسسات مالی اسلامی لازم است همواره منطبق با قوانین شریعت و ابزارهای مورد استفاده با ضوابط فقه اسلامی به فعالیت خود پردازند و مقام ناظر وظیفه دارد همواره این ویژگی ها را مورد پایش و ارزیابی قرار دهد. به عبارت دیگر، نظارت شرعی به معنای اطمینان از منطبق بودن با شریعت است. از مهم ترین ویژگی های نظارت شرعی، نظارت قبل از عملیات و نظارت پس از انجام عملیات بانکی می باشد؛ علی الخصوص عملیاتی که اثر مستقیم بر مصالح عمومی و رابطه مستقیم با دستورات شریعت دارد.

در این زمینه تاکنون تحقیقات متعددی به منظور شناخت هرچه بهتر مقوله نظارت و همچنین نظارت شرعی صورت پذیرفته، از جمله مقاله ای تحت عنوان «نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک های اسلامی» نوشته سید عباس موسویان و همکاران که نویسندگان در این پژوهش به تبیین تصور طراحان بانکداری اسلامی به تطهیر از اتهام ربا، با حذف بهره از روش های تجهیز و تخصیص منابع و بکار گرفتن عقود شرعی در موضوعات بانکی می پردازند. و مقاله «نظارت شرعی و ریسک شریعت در بانکداری اسلامی» از حسین میسمی و قلیچ که این پژوهش تلاش می کند تا ضمن تبیین ضرورت و اهمیت نظارت شرعی در بانکداری اسلامی و بررسی تجربه برخی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در این رابطه، وضع موجود نظارت شرعی در کشور را مورد بحث قرار دهد. همچنین «آسیب شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح های قانونی» از سید عباس موسویان و حسین میسمی؛ به بررسی و تبیین نظام بانکی ایران در خصوص وجود خلأ های جدی درباره نظارت شرعی و بخصوص سکوت قانون عملیات بانکی بدون ربا و دیگر قوانین و مقررات درباره پایش اجرای صحیح بانکداری براساس ضوابط شرعی پرداخته است.

لیکن در این بین، پژوهشی که با استعانت از مبانی فقهی و مستندات قانونی ضمن توجیه اهمیت ضرورت، به بررسی وضعیت موجود نهاد نظارت شرعی در بانک پرداخته و با مذاقه در قوانین جدید و بیان کاستی‌ها در پی یافتن راه حل در این زمینه باشد، مشاهده نشد. کمبود تحقیقات صورت گرفته در محدوده فوق، یقیناً به اخیر التصویب بودن قوانین و بخشنامه‌ها در این خصوص بر می‌گردد. در این پژوهش درصدد هستیم تا با بررسی مبانی فقهی و مستندات حقوقی در خصوص ضرورت وجود نظارت شرعی، ضمن رسیدن به درک عمیقی از موضوع، به تبیین راهکارهای اجرایی شدن نظارت شرعی در ساختار بانکداری اسلامی با توجه به اهمیت آن در خصوص انطباق با شریعت اسلامی دست یابیم.

۱- مفهوم نظارت شرعی

نظارت در ادبیات عرب، به معنای بازرسی و رسیدگی (جوهری، ۱۴۰۷: ۲/۲۱۵۰) و به عنوان مصدر فعل «نظر» به معنای با اندیشه و به چشم خود دیدن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۵۶۱/۱۴)؛ همچنین به معنی مراقبت برای اطمینان از درستی کاری، نظر کردن و نگریستن به چیزی و تحت نظر داشتن کاری بیان گردیده است (توحیدی، ۱۳۹۸: ۱۵۸؛ انوری، ۱۳۸۱: ۷۸۵۱/۸). در مفهوم و اصطلاح حقوقی، نظارت به مراقبت بر عمل دیگری (مانند متولی موقوفه، وصی، وکیل یا قیم و غیره) گفته می‌شود تا عمل صحیحاً صورت گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۵/۳۶۵۰) و به مجموعه عملیاتی که براساس آن میزان انطباق عملکرد با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از منطبق بودن نتایج با هدف‌های معین اطمینان حاصل شود، اطلاق می‌گردد (توحیدی، ۱۳۹۸: ۱۵۸؛ اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۹).

با این توضیح، نظارت در مفهوم حقوقی خود، بازرسی، ارزیابی و سنجش اقدامات مجریان بوده و ناظر را می‌توان کسی دانست که برای چنین بازرسی، ارزیابی و سنجش تعیین می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۵؛ حبیب نژاد و عامری، ۱۳۹۳: ۹) و یا به بیان دیگر، عبارت است از مجموعه اقداماتی که به نظارت در راستای تصویب قوانین مناسب

و در جهت نیل به اهداف عالیه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و غیره و نیز نظارت بر گزینش کارگزارانی مناسب در جهت پیشبرد اهداف مورد تصویب و النهایه نظارت بر عملکرد کارگزاران و تطبیق عملکرد آنها با سیاست های تقنینی مربوط می شود (مرتضایی، ۱۳۹۰: ۴۴؛ پیرنیاکان، ۱۳۹۹: ۶۹).

با این تفاسیر، نظارت شرعی به نوعی از نظارت اطلاق می گردد که مطابق موازین شرعی از سوی فقها و متخصصین این حوزه و بر موضوعات مختلفی صورت می گیرد (رضایی زاده برواتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۸۴) و نظارت شرعی در بانکداری اسلامی، کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت های یک بانک اسلامی یا یک نظام بانکی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام است که با هدف دستیابی به مقررات، اقدامات، فعالیت ها، تدابیر، اصول و روش هایی که به وسیله آنها بتوان مخاطرات ناشی از عدم تطابق فعالیت های بانکی با شرع مقدس در یک بانک اسلامی و یا یک نظام بانکی اسلامی را به حداقل رساند (میسمی و قلیچ، ۱۳۸۹: ۵).

۲- ضرورت وجود نظارت شرعی

برقراری ثبات در ساختار بانکی هر کشور، در گرو مستقر نمودن امنیت و ایجاد محیطی سالم در شبکه پولی و بانکی آن کشور است، از اینرو علمای حقوق و اقتصاد غالباً در تلاش هستند تا موانع موجود در مسیر رشد اقتصادی و پویایی آن را به وسیله توجه ویژه به نظام بانکی رفع نمایند. به همین دلیل، تعیین نهاد نظارتی در سیستم مالی، به عنوان مهم ترین ابزار به جهت اطمینان از این قضیه بسیار ضروری است. از طرفی به دلیل طبیعت خاص بانک های اسلامی، این نوع از بانک ها به نظارت خاصی نیاز دارند که نمی توان از آن غافل بود (میسمی و قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۱). جایگاه نظارت شرعی نه تنها در کشورهای دارای نظام بانکداری اسلامی بلکه حتی در کشورهای غیراسلامی نظیر کشور انگلستان^۱ نیز به دلیل وجود عدّه کثیری از بانک های اسلامی در آن دارای اهمیت

۱. در برخی کشورهای غربی نظیر انگلیس، به دلیل وجود مسلمانان نخستین کشور غربی است که به تأسیس بانکداری خرد براساس قوانین اسلام اقدام نموده است (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۶۱)؛ که در این بانک ها عملیات بانکی

می باشد به گونه ای که این کشورها تلاش نموده اند تا همواره نوع خاصی از نظارت شرعی را در سیستم بانکداری خود اجرایی کنند؛ هرچند در عمل، شوراهای فقهی در کشورهای گوناگون با عناوین مختلفی چون شوراهای تخصصی فقهی، شورای شریعت، ناظران شریعت و غیره مشغول به فعالیت می باشند، اما محور اصلی فعالیت این نهادهای نظارتی یکسان بوده و همان طور که از نام آن پیداست اطمینان یافتن از انطباق فعالیت ها با فقه اسلامی است. اما علاوه بر آن شورای فقهی نظارت شرعی در کشورهای مختلف دارای اختیارات و تکالیف یا به عبارتی دارای کارویژه هایی می باشند که مهم ترین آن در تنظیم آئین نامه ها، دستورالعمل های اجرایی و قراردادها مطابق با ضوابط شرعی، ارائه خدمات آموزشی در رابطه با اصول شریعت به مدیران و کارکنان، پاسخ به سؤالات شرعی مشتریان و کلیه ذیتفعان بانک، انجام بازرسی های شرعی در راستای تضمین اجرای صحیح عقود، تدوین گزارش سالانه انطباق با شریعت و افشای عمومی آن و جایگاه نظام بانکی در زمینه بانکداری اسلامی می باشد.^۱

اهمیت برقراری نظارت شرعی دارای مبانی محکم، به لحاظ فقهی بوده و از باب قانونگذاری در کشوری چون ایران مناسب اما به لحاظ اجرایی دارای کاستی های قابل توجّهی می باشد؛ در ادامه این مباحث تشریح می گردد.

۳- مبانی فقهی ضرورت نظارت شرعی

مستندات فقهی متعددی ضمن آن که اهمیت وجود نهاد نظارتی و ضرورت تبیین مقام ناظر در کلیه سطوح حکومت اسلامی، از جمله نظام بانکداری را توجیه می نماید به عنوان مبنا و فلسفه وجودی مقوله نظارت در بانکداری اسلامی شناخته می شود؛ بعضی از آنها مانند ممنوعیت ربا و قاعده نفی غرر به صورت مستقیم به مقوله نظارت شرعی

بر اساس قوانین شریعت انجام می گیرد. و نظام بانکی از خدمات یک نهاد ناظر شرعی مانند هیئتی موسوم به هیأت شریعت جهت تطابق و سازگاری خدمات بانکی با قوانین شریعت اسلامی و رعایت قانون بانکداری بدون ربا بهره می برد (همان: ۷۷).

در بانکداری اسلامی و بعضی مانند لاضرر به جهت عمومیت مقوله نظارت ارتباط می یابد؛ بدین جهت مهم ترین مبانی فقهی در این زمینه عبارتند از:

۱-۳- ممنوعیت ربا

بدون تردید قدم اول برای تحقق بانکداری بدون ربا، حذف ربا از تمام عملیات مربوط به تخصیص، تجهیز و خدمات بانکی می باشد (نظر پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲)؛ به عبارتی ربا فارغ از این که از جمله گناهان کبیره بوده و نهی اسلام از ارتکاب آن به جهت شایع بودن آن در ساختار بانکی مرسوم در دنیا، در واقع اولین گام به جهت مستقر نمودن نظام بانکداری اسلامی، حذف آن از قراردادهای مالی می باشد و با توجه به تفاوت های نظام بانکداری اسلامی با نظام های مرسوم بانکی در دنیا که به صورت ربوی اداره می گردد، به نظر می رسد که مبنای مذکور نه تنها یکی از مهم ترین مبانی فقهی در باب ضرورت وجود نظارت شرعی در ساختار بانکی می باشد بلکه این ممنوعیت، سنگ بنا و عامل اصلی ایجاد چنین نظامی در کشورهای اسلامی است؛ علاوه بر آن که به همین دلیل نیز قواعد خاص بانکی نظیر قانون عملیات بانکی بدون ربا در این زمینه تنظیم گردیده و با توجه به لزوم شرعی بودن قوانین، اهمیت مقام ناظر به وضوح روشن می گردد.

در آیات و روایات، علل تحریم ربا جلوگیری از فساد و تباهی اموال، تعطیلی تجارت و کسب و کار حلال و گرایش مردم به سودجویی ذکر گردیده است (صدوق، ۱۳۷۸: ۹۳/۱؛ همو، ۱۴۱۳: ۵۶۷/۳)، به گونه ای که برخی از فقها در اینباره می گویند حرمت ربا به وسیله قرآن، سنت و اجماع مسلمین ثابت است بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دین باشد (خیمینی، ۱۳۸۵: ۶۰۸/۱).

خداوند در قرآن کریم در آیات ۲۷۸ تا ۲۸۰ سوره بقره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید،

از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید آن چه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر [چنین] نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از خودتان است؛ نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید و اگر [بدهکاران] تنگدست باشد پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید] و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد] بخشیدن آن برای شما بهتر است اگر بدانید.»

در این آیه شریفه ربا خواری، آهنگ جنگ با خدا دانسته شده و این همانندسازی، بزرگی گناه را می‌رساند، زیرا رباخواری سلامت جامعه را به خطر انداخته و توازن اقتصادی کشور را در هم می‌کوبد. همچنین در کتب معتبر شیعه و سنی، روایات و احادیث گهرباری از پیامبر اکرم (ص) در باب حرمت ربا بیان گردیده است؛ از جمله پیامبر (ص) می‌فرماید: «من أخذ الربا وجب علیه القتل و كل من أربى وجب علیه القتل: هر کس ربا بگیرد کشتنش واجب است و تمامی ربا دهندگان نیز باید کشته شوند» (قمی، ۱۴۰۴: ۹۳/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۸/۱۰۳).

مضاف بر این، از روایات معصومین در حرمت ربا می‌توان به احادیث وارده از امام صادق علیه السلام اشاره نمود که در این خصوص می‌فرماید: «أَمَّا حَرَمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرَّبَا لِكَيْلَا يَمْنَعَ النَّاسَ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ: همانا خداوند ربا را حرام نمود تا مردم از انجام کارهای خوب و شایسته خودداری نکنند (کلینی، ۱۴۲۸: ۱۴۶/۵؛ حرّ عاملی، بی تا: ۱۱۸/۱۰). همچنین روایتی که هشام بن حکم نقل می‌کند؛ از امام صادق علیه السلام پرسیدم چرا ربا حرام شد؟ حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَّ النَّاسُ التِّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِيَفِرَّ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التِّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ: به راستی، اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و تلاش برای معاش را رها می‌کردند؛ به همین دلیل خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال و تجارت و خرید و فروش رویاوردند و به یکدیگر قرض بدهند» (صدوق، بی تا: ۴۸۲/۲). از این پاسخ امام استفاده می‌شود که ربا، بازدارنده تولید و تجارت و مانع فعالیت و اشتغال است. همچنین مطابق با فرموده ایشان: «شَرُّ

المكاسب كسب الربا: بدترین كسب ها رباخواری است» (حكیمی و دیگران، ۱۳۷۴: ۴۰۹؛ شعیری، بی تا: ۱۴۵)¹.

حال این که بانک به عنوان مهم ترین ستون بخش اقتصاد، که در واقع الزامات جامعه و کسب و کار منجر به ایجاد آن گردیده، بایستی با هدف اساسی خود که همانا تلاش در جهت سامان بخشیدن به اقتصاد کشور است در راستای به حرکت درآوردن چرخه های آن فعالیت نموده و دریافت سود به عنوان امری تبعی - و نه هدف اصلی - در آن لحاظ گردد؛ ضمن آن که سودی که بانک از سرمایه سهامداران و یا سپرده سپرده گذاران دریافت می نماید بایستی حاصل تجارت واقعی بوده باشد، به گونه ای که بانک با سرمایه های سپرده شده کار کرده و سهم حساب شده و تضمین شده ای را به سپرده گذاران و همچنین سهامداران بپردازد، نظیر عقد شرعی مضاربه که در آن بانک به عنوان عامل می تواند سهم مالک یا همان سپرده گذاران و سهامداران را - برابر با قیمت روز - تضمین کند و در پایان کار اگر سود بیشتری به دست آمد آن را نیز حساب نماید. بنابراین با هدف جلوگیری از دریافت سود ربوی، نظام بانکداری اسلامی ایجاد و تبیین گردیده و با عنایت به توضیحات فوق، لزوم ضرورت نهاد نظارتی به جهت کنترل و بازرسی قوانین و اجرای آن مطابق با دستورات اسلامی نیز امری واضح است.

۲-۳- قاعده نفی غرر

غرر در لغت، واژه ای عربی است که در برخی فرهنگ های لغت فارسی به معنای خطر و فریب بوده به گونه ای که در معاملات باعث اضرار به غیر شود (معین، ۱۳۶۰: ۲/۲۴۰)، و یا به معنای خطر یا ریسک، خدعه یا نیرنگ، امری که مورد تعهد و اطمینان نبوده (اصفهانی، ج ۱، ۳۰۰) و همچنین در کلام فقیهان غرر در واقع فعل است و به معنای فریفتن (شهید اول، ۱۳۰۸: ۱۳۷) و از جمله قواعد مهمی که در استنباط احکام معاملات

1. <https://hawzah.net>

به ویژه معاملات جدید و ابزارهای مالی مورد استناد قرار می‌گیرد قاعده نفی غرر یا نفی بیع غرری می‌باشد.

مستند این قاعده، حدیث معروف نبوی (ص) می‌باشد: «نهی النبى عن بیع الغرر»؛ مطابق با قاعده غرر، هرگاه در یک معامله شخصی کاری را انجام داده که سبب فریب خوردن شخص دیگری شده و در نتیجه آن کار به او ضرری وارد شود شخص اول بایستی بر مبنای این قاعده با پذیرش مسؤلیت خود خسارات وارده به طرف دیگر را نیز جبران کند (علیدوست، ۱۳۸۲: ۸۹). به عبارت دیگر، غرر در معاملات، عاملی برای ایجاد معاملات نامتوازن و داراشدن غیر عادلانه و منظور معاملاتی است که عاقبتشان برای یکی از طرفین مجهول و باعث ضرر و خطر می‌گردد و در حالت کلی با استناد به قاعده نفی غرر در معاملات می‌توان از مخاطراتی که ممکن است کلیت یک معامله را تحت الشعاع قرار دهد اجتناب نمود و در نتیجه، معاملات با اطمینان بیشتری صورت گرفته و احتمال این که در آنها مشکلی پیش آید یا خطری هریک از طرفین معامله را تهدید کند به شدت کاهش می‌یابد. به همین منظور، با توجه به وجود انبوه سپرده‌گذاران در بانک‌های کشور و از طرفی عدم اطلاع کافی این افراد از اقدامات و قراردادهای بانکی که بعضاً با جهت‌گیری‌های مدیران بانک به سمت سهامداران، حقوق آنها نادیده و یا تضییع می‌گردد و به منظور جلوگیری از اینگونه سوء استفاده مدیران از جهل سپرده‌گذاران در این خصوص، لزوم نظارت شرعی در حوزه بانکداری روشن می‌گردد.

همچنین از آنجا که احتمال خطای مسئولین و این که از اعتماد مشتری سوء استفاده شده و اسباب فریفتن او حاصل آید وجود دارد، لذا باید نظارتی شرعی و دقیق بر اعمال کارگزاران باشد؛ چراکه بدون شک حاکمان معصوم نیستند و به همین دلیل قطعاً به جهت انطباق عملکرد آنها در جهت اهداف اسلامی و مصلحت عامه مردم نظارت بسیار ضروری است (حسین نژاد، ۱۳۹۷: ۴) خصوصاً آن که وجود فساد در بین گردانندگان نظام بانکی امری غیر ممکن نبوده و در سال‌های اخیر شاهد نمونه‌های فراوانی از تضییع حق سپرده‌گذاران بوده ایم.

۳-۳- لزوم رعایت مصلحت عمومی

مصلحت آحاد جامعه و عامه مردم ایجاب می نماید تا ابزار های مورد تأکید در شریعت به منظور اجرای صحیح قوانین و جلب اعتماد مردم به حکومت در سطوح مختلف عملی گردد.

مهم ترین نفع و کارکرد نظارت شرعی برای یک بانک اسلامی و یا یک نظام بانکی اسلامی، مقوله کاهش «ریسک شهرت» است. به این معنی که اگر نظارت شرعی وجود نداشته باشد، ممکن است به تدریج بانک های اسلامی از اصول و ضوابط شرعی تعدی کنند و این باعث می شود اعتماد خبرگان، فقها، مراجع تقلید، عموم مردم و حتی کارکنان شبکه بانکی نسبت به شرعی بودن عملکرد بانک ها مورد سؤال و تردید قرار گیرد.

بانک های اسلامی در سایر کشورها ضمن درک اهمیت نظارت شرعی، تلاش کرده اند تا همواره نوع خاصی از نظارت شرعی را اجرایی کنند. بر این اساس، می توان مدعی بود که شاید هیچ بانک یا مؤسسه اسلامی در جهان وجود نداشته باشد که نوعی از نظارت شرعی را در خود اجرایی و عملیاتی نکرده باشد. البته در عمل، شوراها و فقهی در بانک های اسلامی یا نظام های بانکی اسلامی، با تعبیر گوناگونی چون شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت، ناظران شریعت و غیره به فعالیت مشغول اند که علیرغم تمامی تفاوت ها، اصل کار آنها تضمین انطباق فعالیت ها با فقه اسلامی است.

بنابراین هدف نهایی از نظارت و بازرسی، اصلاح و بهبود اوضاع و به طور دقیق، شناسایی، کشف و ریشه یابی و سپس ارائه راه حل اصلاحی به منظور رعایت مصلحت تمام افراد جامعه است. راه حلی که همراه با یافتن خطاهای عوامل دست اندرکار، اشتباهات فاحش را بر ملا ساخته و برای ادامه مسیر دستورالعمل مناسب صادر می نماید (حسین نژاد، ۱۳۹۷: ۵).

۳-۴- قاعده لاضرر

ضرر عبارت است از نقص در مال یا بدن یا حق انسان و مطابق با آن چه در کتاب الصّحاح بیان شده، به معنای خلاف نفع می باشد (جوهری، ۱۴۰۷: ۸۹/۲) و قاعده لاضرر، قاعده فقهی برگرفته از متن حدیث مشهور نبوی لاضرر و لاضرار فی الاسلام است که بر نفی اضرار به غیر در دین اسلام و حرمت آن دلالت می کند (آقامهدوی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

عمومیت قاعده لاضرر همانگونه که بیان شده، تمامی افراد حتی حکومت و مسؤولان را - صرفنظر از اموری که به جهت نفع و مصلحت عمومی و با استفاده از حق حاکمیتی انجام می دهد - در بر می گیرد (ابویی مهریزی، ۱۳۷۹: ۱۴۸؛ ولی زاده، ۱۳۹۸: ۳۳۹). ممکن است به سبب عدم اعمال صحیح قانون موجب خساراتی به عامه مردم گردد. با عنایت به این موضوع، این قاعده نیز در کنار سایر قواعد و حتی به تنهایی و به عنوان یکی از قواعد بنیایی و عمومی به ضرورت وجود نظارت شرعی در بانکداری اسلامی تأکید می ورزد، زیرا چنان چه پیشتر بیان گردید بانک ها به عنوان مهم ترین بنگاه های اقتصادی بیش از هر نهاد دیگر در جوامع علاوه بر این که نیازمند جلب اعتماد آحاد جامعه به سرمایه گذاری می باشند، ممکن است به سبب تخطی از قوانین و یا حتی قصور غیر عمدی در این زمینه، با ایجاد خسارت به صاحبان سرمایه، ضرر فراوانی را وارد نمایند.

۴- مستندات قانونی نظارت شرعی

از مهم ترین بایسته های تقنینی در نظام جمهوری اسلامی ایران، موضوع التزام به حاکمیت قانون در پرتو شریعت اسلامی می باشد. تبلور این مسأله در تأکیدات قانونگذار اساسی بر لزوم رعایت فرامین قانون اساسی در راستای شرع مقدّس و در اصول متعدّدی متجلی می باشد (رضایی زاده برواتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۹۱) ضمن آن که فرآیند تصویب قانون اساسی که در پی مباحثاتی با روحانیون و خصوصاً امام خمینی (ره) نسبت به این سند قانونی مهم ملی صورت گرفت، باعث گردید تا متن نهایی با شریعت اسلامی کاملاً هماهنگ گردد (فقیهی و عساکره، ۱۴۰۰: ۲۰) به گونه ای که قانونگذار پس از

تشریح پایه های بنیادین جمهوری اسلامی، در اصل دوم و سپس چهارم قانون اساسی به التزام بر انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور با موازین اسلامی و شرع مقدس و به رویکرد نظارت شرعی در انتهای اصل تأکید می نماید. همچنین در اصل هفتاد و دوم قانون مذکور صراحتاً مقرر داشته که نهاد تقنینی نمی تواند مبادرت به وضع قوانینی نماید که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور مغایرت داشته باشد.^۱ این مهم حتی باعث گردیده تا هدف از تصویب بسیاری از قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی صراحتاً سوق دادن نهادهای مهم کشور به سمت مدیریت در پرتو فرامین اسلامی باشد، نظیر آن که قانونگذار در ماده یک از قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲، به طور صریح اولین و مهم ترین اهداف نظام بانکداری اسلامی را استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور می داند.

در واقع، عدم مشروعیت بکارگیری قرض با بهره در عملیات تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکی سبب شد تا تبصره ای در قانون بودجه سال ۱۳۶۰ کل کشور گنجانده شود و این مسأله در واقع سرآغاز تحوّل عمیق در بانکداری ایران گردید؛ چراکه در تبصره ۵۴ قانون بودجه آن سال مقرر شد «دولت موظف است از تاریخ تصویب این قانون برای حذف ربا از نظام بانکی و اصلاح نظام در اسرع وقت مطالعه های لازم را انجام داده و لایحه مربوط را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند» و سرانجام همین موضوع پس از بررسی های متعدد و با تصویب هیأت وزیران منجر به تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در شهریورماه ۱۳۶۲ گردید (موسویان، ۱۳۹۰: ۱۹). لازم به ذکر است «تنها قانون حوزه پولی و بانکی که معطوف به ابعاد شرعی نظام بانکی نگاشته شده، قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ است. در ماده (۱) این قانون صراحتاً بر اهمیت استقرار نظام پولی اسلامی تأکید و اولین هدف نظام بانکی در جمهوری

۱. ر.ک: اصل دوم، چهارم، و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

اسلامی ایران، «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» تبیین شده است؛ لذا به استناد این ماده می‌توان شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی (به عنوان مقامات سیاستگذار و ناظر نظام بانکی) را مسئول عملکرد شرعی نظام بانکی دانست. علیرغم تصریح در ماده (۱) قانون مذکور، متأسفانه در مواد مرتبط با سیاستگذاری و نظارت بانک مرکزی، به نظارت شرعی اشاره‌ای نشده و دخالت و نظارت بانک مرکزی در ماده (۲۰) این قانون محدود به تعیین نرخ‌ها و سهم‌ها شده است. به این ترتیب، می‌توان گفت موضوع نظارت شرعی بر نظام بانکی (اعم از بانک مرکزی و شبکه بانکی) در قوانین مربوطه مورد غفلت واقع شده است» (روحانی و بنی‌طباء، ۱۳۹۵: ۵).

۵- چالش‌های اجرایی شدن نظارت شرعی در نظام بانکداری اسلامی

اکنون که با وجود گذشت حدوداً چهار دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا شاهد نظارتی قوی و تأثیرگذار که بتواند در بانک‌ها و مؤسسات مالی مستقر و نظارت مستقیم و مؤثر داشته باشد، نمی‌باشیم می‌توان پی برد که این مسیر با چالش‌های متعددی روبه‌روست؛ چراکه اجرایی شدن نظارت شرعی بر بانک‌ها علاوه بر شورای فقهی بانک مرکزی، باید شامل هیأت‌های نظارتی باشد که بتوانند با استقرار در بانک‌ها و مؤسسات مالی در نظارت شرعی مؤثرتر عمل نمایند. ذیلاً به طور خلاصه به مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو اشاره خواهد شد:

- ۱- هزینه بر بودن: اولین چالش پیش‌روی اجرایی شدن نظارت، هزینه بر بودن تعریف و اجرای ساختار ناظر شرعی در بانک‌هاست.
- ۲- کمبود متخصصین: دومین چالش، کمبود متخصصان به منظور حضور در جایگاه هیأت نظارت شرعی است؛ مخصوصاً این که تعداد افرادی که در خصوص مباحث بانکی و فقهی توأمان خبره باشند بسیار محدود است.

۳- تداخل وظایف شورای فقهی با بدنه کارشناسی مؤسسه: در نظام بانکی، نظارت، چیزی بیش از نظارت شرعی و شامل کنترل های بازرسی و حسابرسی است؛ بنابراین وجود یک نهاد نظارتی شرعی، امکان تداخل و تعارض در مقام اجرا میان بخش های مختلف نظارتی را ممکن است در پی داشته باشد.

۴- کیفی بودن مقوله انطباق با شریعت و امکان اعمال سلیقه: انطباق موضوعات فعالیت های بانکی با شریعت، اساساً یک مقوله کیفی است. در این موارد، خطر اعمال سلیقه ناظران می تواند بر تعیین میزان شرعی بودن مؤثر باشد.

۵- اختلاف فتوای فقهی: اختلاف فتاوی فقهی در تمام امور امری بدیهی است. این موضوع در خصوص مباحث بانکی نیز دور از انتظار نبوده که می تواند به چالشی مهم تبدیل گردد، علی الخصوص که اختلافات فقهی در انجام وظیفه هیأت نظارت، تأثیرگذار است.

با عنایت به چالش های مطرح شده باید دید چه راهکارهایی برای رفع آن می تواند پیشنهاد گردد.

۶- راهکارهای اجرایی شدن نظارت شرعی در نظام بانکداری اسلامی

در مجموع، بانک ها و مؤسسات مالی اسلامی می بایست در اجرای سازوکارهای حاکمیت شرکتی - به عنوان نوعی ابزار کنترلی و نظارتی در شبکه بانکی - رویکرد تبعیت از احکام مربوط به شریعت اسلامی و اجرای آن، در استخراج و تشریح قوانین و مقررات شریعت با اجرای سازوکاری مناسب عمل نمایند آنهم به دلیل ماهیتی که دارند که باعث می گردد تا موضوع قانون گذاری و نظارت بر آنها در برخی موارد ابعاد خاصی پیدا کند (میسسی، ۱۳۹۰: ۵۶). اجرای صحیح این موضوع، مستلزم نظارت تخصصی (برای مجازات افراد خاطی) و شرعی قوی می باشد (توحیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۶)؛ بنابراین در صورت توجه به اجزای این چالش ها که پیش از این گفته شد، لازم است راهکارهای اجرایی شدن این نظارت به صورت موردی مطرح گشته تا برای تعیین هیأت

نظارت با وجود چالش‌های پیش‌رو بتوان راهکارهایی را برای حل آن تبیین نمود؛ هرچند که این راهکارها در حد پیشنهاد است لیکن می‌تواند مورد عنایت قرار گیرد. نخستین چالش را می‌توان با شناخت و محاسبه هزینه‌ها توسط مسئولین مؤسسه حل نمود، به این صورت که با دیدی روشن در خصوص تشکیل و فعالیت شورای فقهی تصمیم بگیرند. کمبود متخصص نمی‌بایست موجب عدم شکل‌گیری هیأت نظارت گردد، بلکه لازم است به پرورش نیروی‌های مورد نیاز، صاحب‌نظر و جذب آنها به سمت شبکه بانکی در کنار شروع به فعالیت مؤسسات اقدام نمود.

به منظور عدم تداخل وظایف شورای فقهی با بدنه کارشناسی مؤسسه، لازم است تعریف صحیح حوزه کاری و تعیین دقیق مسئولیت‌ها صورت گیرد؛ به نحوی که تعاملی سازنده میان بخش‌های مختلف بانک با هیأت نظارت شرعی ایجاد شده و این شورا مکمل سایر بخش‌ها باشد. همچنین باید در ساختار سازمانی بانک در رابطه با شیوه حل اختلافات احتمالی، سازوکار مشخصی تعیین گردد. با این حال، چالش مذکور محتمل بوده و باید در تشکیل هیأت نظارت شرعی در بانک یا مؤسسه اعتباری غیر بانکی به آن توجه نمود.

کیفی بودن مقوله انطباق با شریعت و امکان اعمال سلیقه، از چالش‌هایی است که به منظور مقابله با آن می‌توان با ارائه چک‌لیست‌های مشخص نظارت شرعی توسط بانک مرکزی و تلاش در راستای کمی نمودن شاخص‌ها به عنوان یک راهکار در نظر گرفته شود.

در خصوص اختلاف فتوای فقهی، «البته در صورتی که اعضای هیأت نظارت شرعی تسلط کافی به دیدگاه‌ها و نظرات مختلف داشته باشند، در اکثر موارد این امکان وجود دارد که ابزارها و شیوه‌های مورد نیاز به نحوی طراحی گردد که حداکثر سازگاری با نظرات اکثر مراجع داشته باشد. در این رابطه، بر اساس چارچوب عملیاتی پیشنهادی در این پژوهش، هیأت نظارت شرعی بانک‌ها در چارچوب و تحت نظارت شورای فقهی بانک مرکزی به فعالیت مشغول بوده و عملاً بازوی اجرایی شورای فقهی

بانک مرکزی می‌باشند. از اینرو تصمیم‌گیری نهایی در رابطه با مسائل فقهی اختلافی، بر عهده شورای فقهی بانک مرکزی می‌باشد. شیوه عملیاتی پیشنهادی برای حل این مشکل می‌تواند بدین صورت باشد که در گام اول، تلاش می‌شود تا دیدگاه اجماعی که مورد اتفاق اکثر فقها باشد مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد. اگر به هر دلیل، اجماع وجود نداشت نظر مشهور فقهی مبنای عمل شورای فقهی بانک مرکزی قرار می‌گیرد و اگر در رابطه با موضوعی نظر مشهور هم وجود نداشت (که کم اتفاق می‌افتد) آنگاه به نظر فقیه حاکم (ولی فقیه) مراجعه شده و این نظر، مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد؛ بنابراین چالش اختلافات فقهی می‌تواند از این طریق کم رنگ گردد.^۱

همچنین مؤسسات مالی اسلامی ضمن اجرای این مکانیزم تحرک پذیر، سریع و کارا می‌توانند ضمن مطلع نمودن بانک مرکزی از موارد استخراجی آن را به اطلاع عموم نیز برسانند؛ چراکه مسأله انطباق فعالیت‌های شبکه بانکی با تعالیم شریعت اسلامی با توجه به ماهیت بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی، بسیار ضروری می‌باشد (میسمی، ۱۳۹۰: ۵۶). نظارت بر سیستم بانکی یکی از وجوه لاینفک سیستم‌های اقتصادی مدرن است و عمدتاً مشتمل بر سازوکارهایی به جهت نظارت بر عملکرد بانک‌هاست تا امنیت مالی سپرده‌گذاران، دولت و سیستم اقتصادی را به عنوان یک کل واحد تضمین کند و آنها را از فروپاشی سیستم بانکی و تبعات آن به دور نگاه دارد (توحیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸).

رابطه نظارت شرعی و نظارت متعارف بانکی، رابطه مکمل است و نه جانشین؛ به عبارت دیگر، نظارت شرعی، تقویت‌کننده نظارت بانکی متعارف است (روحانی و بنی‌طباء، ۱۳۹۵: ۴؛ نوایی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳) و همان‌طور که بیان گردید به جهت طبیعت خاص بانکداری اسلامی و وجود مؤلفه‌های بارز اسلامی در آن و همچنین اطمینان از اسلامی بودن فرآیند‌های بانکی در سیستم بانکی کشورهای اسلامی، نظارت شرعی، سازوکاری ضروری می‌باشد.

1. www.ibena.ir/fa/news

نتیجه گیری و پیشنهاد

همان طور که بیان گردید با توجه به طبیعت خاص بانکداری اسلامی و مؤلفه های بارز شریعت در آن، وجود نظارت شرعی به جهت اطمینان از مشروعیت فرآیند ها در سیستم بانکی کشورهای اسلامی، امری حیاتی می باشد. مستندات فقهی و قانونی محکم و بلاشک، ضرورت وجود نظارت شرعی را توجیه نموده و بر اهمیت آن تأکید می ورزد؛ ضمن آن که وجود ناظر شرعی می تواند با جذب اعتماد و مشروعیت بخشی به بازار مالی، موجب ارتقاء و افزایش کارایی بانک گردد.

در همین راستا کشورهای اسلامی همزمان با استانداردهای بین المللی و پیشنهادهای ارائه شده توسط مؤسسات مالی اسلامی، به ایجاد نوعی نهاد نظارتی در سیستم بانکی خود با کارویژه های گوناگون که مهم ترین آن انطباق قوانین با شریعت و با عناوین مختلف می باشد، مبادرت نموده اند.

در کشور ایران نیز، شورایی تحت عنوان «شورای فقهی بانک مرکزی» به عنوان عالی ترین نهاد در زمینه نظارت شرعی، هم به منظور مقررات گذاری و هم نظارت بر اجرا ایجاد گردید که وظیفه پایش اسلامی بودن فعالیت های بانک ها و مؤسسات اعتباری را برعهده دارد و مصوبات آن تا قبل از سال ۱۳۹۶ جنبه مشورتی داشته لیکن با تصویب ماده ۱۶ قانون برنامه ششم توسعه، اجرای دستورات آن برای کلیه بانک ها لازم الاجرا گردید.

با این وجود، هرچند استقرار این نهاد نظارتی در سیستم بانکی کشور گامی مثبت در جهت ارتقای سلامت بانکی کشور و اطمینان افراد بدان می باشد اما به طور کلی روند نظارتی در این زمینه، همچنان دارای نواقص و کاستی ها یا به عبارتی چالش هایی است که با اجرای راهکارهای مناسب می توان بر آن فائق آمد؛ نظیر آن که قانون در خصوص تشریفات رؤیت تخلف از فرامین اسلامی توسط مقام ناظر ساکت است. این موضوع نشان می دهد که صرف وضع قوانین به منظور اجرای نظارت شرعی در این خصوص

کافی نبوده و بایستی تمهیدات انضباطی لازم در خصوص عکس العمل سریع، به موقع و کافی در مقابله با تخطی از مقررات شریعت نیز تبیین گردد.

از طرف دیگر، با توجه به این که مطابق قوانین و دستورالعمل‌ها، شورای فقهی به عنوان یک نهاد کلی و واحد، با استقرار در بانک مرکزی تشکیل گردیده و حال آن که در زیرمجموعه بانک مرکزی هزاران بانک و مؤسسه اعتباری غیر بانکی مشغول به فعالیت بوده که اخیراً قانونگذار با ایجاد بخشنامه ای صرفاً بانک‌ها و مؤسسات مالی را به استفاده یک نفر مسؤول نظارت بر شریعت مکلف نموده که با توجه به دامنه گسترده ریسک‌های شریعت و احتمال تخلفات فراوان در این زمینه و یا حداقل خروج و تخطی ناآگاهانه، به نظر، انتصاب یک شخص به تنهایی به عنوان مسؤول نظارت حقیقتاً ناکافی است و بایستی همانند دیگر ریسک‌های موجود در ساختار بانکی که برای هر کدام کمیته ای در ساختار درونی هر بانک تشکیل شده است، در این زمینه نیز با تبیین زیرساخت‌های لازم شرایطی را فراهم نمود تا به منظور ایجاد یک نظارت قوی و قابل اطمینان، زمینه برای استقرار یک سازمان و مجموعه نظارتی با انتصاب یک نفر به عنوان مدیر مسؤول در ساختار درونی بانک‌ها هموار گردد؛ ضمن آن که مدافعه در مصوبات شورای فقهی بانک مرکزی و روند آهسته تدوین آنها با توجه به تشریفات طولانی لازم الاجرا شدن قوانین و از طرفی شبکه گسترده بانکی، اهمیت ایجاد کمیته فوق را در درون بانک‌ها دو چندان می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.

- آقا مهدوی، اصغر (۱۳۹۴)، **نگاهی دیگر به قاعده لاضرر**، دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه فقهی، ۶، ۱۴۱-۱۲۳.

- ابویی مهریزی، حسن (۱۳۷۹)، **مبانی قاعده لاضرر از دیدگاه فقهای امامیه**، کاوش نامه علوم انسانی، ۱، ۴۱-۸۲.

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، **نظارت در نظام اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مبانی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راهکارهای اجرایی شدن آن در نظام... ————— ۱۸۳

- اصفهانی، محمدحسین (بی تا)، **حاشیه مکاسب**، ج ۱، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، **فرهنگ بزرگ سخن**، ج ۸، ج ۵، تهران: سخن.
- پیرنیکان، امیرلطف الله (۱۳۹۹)، **مفهوم و گونه های نظارت و کنترل در حقوق ایران**، فصلنامه پژوهش های حقوقی میان رشته ای، ۱، ۶۷-۷۹.
- تقی زاده، خدیجه (۱۳۹۱)، **بانکداری اسلامی در برخی کشورهای جهان**، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، ۷، ۶، ۴۷-۸۰.
- توحیدی، محمد؛ فتاحی، علیرضا (۱۳۹۸)، **استخراج مؤلفه های ارتقاء نظارت شرعی در بازار سرمایه ایران بر مبنای استانداردهای بین المللی (مطالعه موردی: استانداردهای بین المللی AAOIFI و IFSB)**، فصلنامه بورس و اوراق بهادار، ۴۷، ۱۵۴-۱۸۱.
- توحیدی، مهرداد؛ شاهی، محمدشریف؛ احمدی، محمدصادق؛ دائی کریم زاده، سعید (۱۳۹۹)، **تحلیل ابعاد حقوقی نظارت بانک مرکزی بر نظام بانکداری در ایران**، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۴۵، ۸۷-۱۱۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، **الصّحاح تاج اللغه و صحاح العربیه**، ج ۲، بیروت: دار العلم.
- حبیب نژاد، سید احمد؛ عامری، زهرا (۱۳۹۳)، **مبانی نظارت در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه علوم سیاسی، ۶۵، ۷-۳۲.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱۰، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۷)، **بررسی ماهیت، مبانی و اهداف نظارت و بازرسی در فقه شیعه**، ششمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۷۴)، **الحیاه، الفصل الرابع عشر: الربا، سحق، جبار**، ج ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۸۵)، **ترجمه تحریر الوسیله**، ترجمه: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، **لغتنامه دهخدا**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- رضایی زاده برواتی، محمدجواد؛ ابرهیمی، مهدی؛ بهادری جهرمی، محمد (۱۴۰۰)، **بایسته های نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۵۴، ۵۸۳-۶۰۴.
- روحانی، علی؛ بنی طباء، مهدی (۱۳۹۵)، **آسیب شناسی نظام بانکی، ۷ نظارت شرعی بانک مرکزی**، معاونت پژوهش های اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، **جامع الاخبار**، نجف: المطبعة الحیدریه.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۲۵ق)، **علل الشرائع**، قم: مکتبه الداوری.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸ق)، **عیون الرضاع**، تهران: جهان
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۳۰۸ق)، **القواعد و الفوائد**، چاپ سنگی، بی نا.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، **قاعده نفی غرر در معاملات**، اقتصاد اسلامی، ۹، ۸۹-۱۰۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، **نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری**، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- فقیهی، سیده فاطمه؛ عساکره، زینب (۱۴۰۰)، **تحلیل حقوقی آثار نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر قوانین و مقررات**، حکومت اسلامی، ۹۹، ۵-۲۸.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، **تفسیر قمی**، ج ۱، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۸ق)، **الکافی**، ج ۵، بیروت: منشورات الفجر.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار**، ج ۱۰۳، چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرتضایی، سید احمد (۱۳۹۰)، **نظارت استصوابی یا استطلاعی، بررسی فقهی حقوقی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معین، محمد (۱۳۶۰)، **فرهنگ فارسی**، ج ۲، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰)، **نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک های اسلامی**، ویژه نامه بانکداری اسلامی، ۱۶-۲۳.

مبانی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راهکارهای اجرایی شدن آن در نظام... ————— ۱۸۵

- میثمی، حسین؛ قلیچ، وهاب (۱۳۸۹)، نظارت شرعی و ریسک شریعت در بانکداری اسلامی: دلالت‌هایی برای طرح تحول نظام بانکی، تازه‌های اقتصاد، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۰، ۱۲-۳.

- میسمی، حسین (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی الگوهای نظارت بر مؤسسات اسلامی در کشورها، تازه‌های اقتصاد، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی، ۵۶-۶۱.

- نظریور، محمدنقی؛ یوسفی شیخ رباط، محمدرضا؛ ابراهیمی، میمنت (۱۳۹۳)، شاخص‌های ممنوعیت ربا در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران (بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس)، مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۲/۱۰، ۶۷-۹۴.

- نوابی مقدم، زینب؛ زارع، علی؛ یوسفی صادقلو، احمد؛ جمالی، جعفر (۱۴۰۱)، بررسی فقهی و حقوقی تعارض منافع در بانک‌های غیر دولتی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۶، ۳۵۹-۳۸۶.

- ولی‌زاده، حسین (۱۳۹۸)، اثر قاعده لاضرر در مسؤولیت مدنی و نقش قاعده اقدام در اثر رافعیت آن، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، ۱۰، ۳۳۱-۳۴۸.

- <https://hawzah.net>.

- <https://mbri.ac.ir/IslamicBanking>.

- <https://www.ibena.ir/fa/news>.

